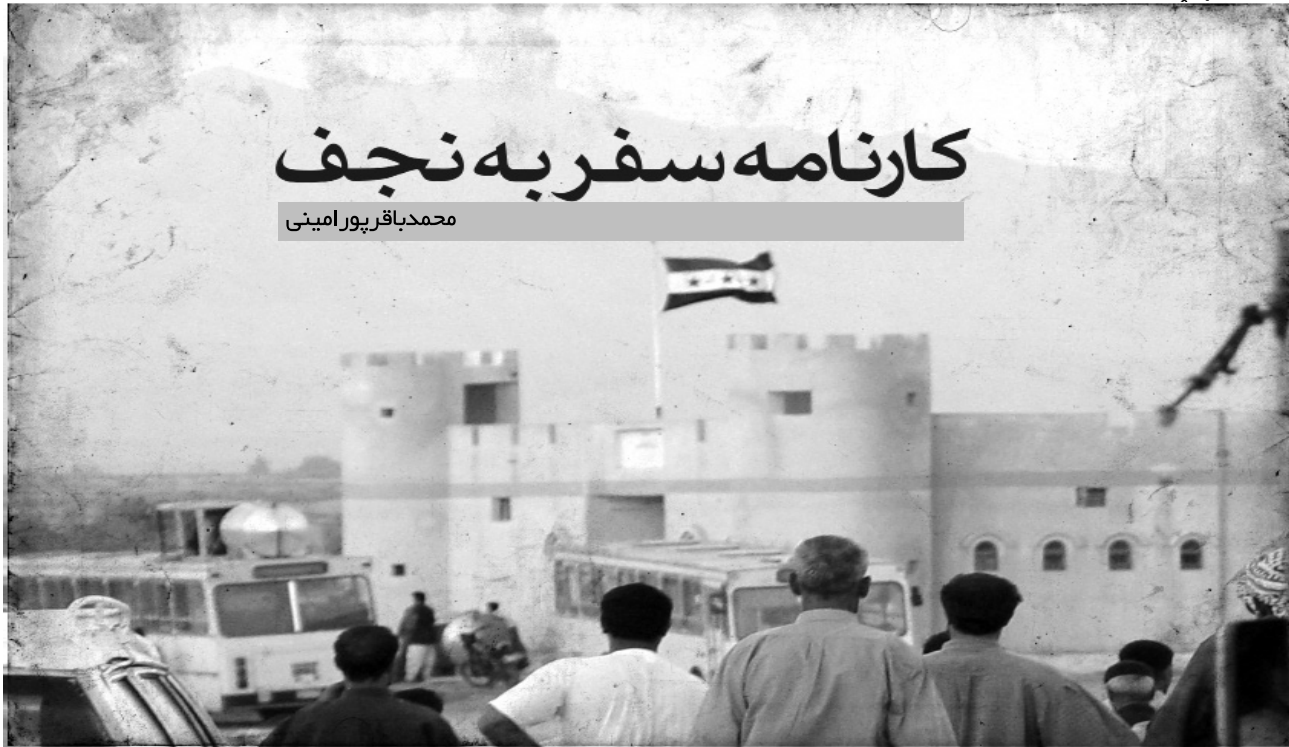


کارنامه سفر به نجف

محمدباقر پورامینی



اذن دخول

آنها پیاده و ما سواره؛ گرچه همه زائر بودیم، اما تفاوت بسیار بود و یاداش نیز متفاوت. آنها با چهره و لباس غبارآلود و ما آراسته. در حالی که نظاره‌گر صفا و صمیمیت و ساده‌گی‌شان بودیم، از کنارشان عبور می‌کردیم تا شاید پیش از غروب آفتاب خود را به آستان مقدس نجف برسانیم. اما گذر از کنار هر کدام چیزی جز غبطه بر ما نمی‌افزود. زائر راستین، آنان بودند که به عشق زیارت امیرمومنان (ع) پرچم ارادت بر دوش، با پای پیاده و گاه برهنه راهی حرم علوی بودند.

سفر متفاوتی برایم رقم خورده بود که به درخواست مدیر مسئول محترم انجام شد و صرفاً برای زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی باهدف غنای بیشتر این فصلنامه، که تازه متولد شده بود و می‌خواست عهده‌دار نشر و توسعه فرهنگ زیارت عتبات عالیات باشد، همراهی «حجت‌الاسلام عبدالرحیم اباضری» و دوست دیگری نیز نشاط کاری سفر را مضاعف می‌ساخت. قرارمان نیز در وهله اول، کار و بعد زیارت بود. از این رو می‌توانستیم سفر را یک سفر کاری بنامیم و این گزارش را نیز یک «کارنامه». گرچه ثمرات این سفر نتیجه تلاش جمعی بود؛ از این رو به دلیل انتخاب اول شخص برای زبان این نوشتار، از مدیر اجرایی فصلنامه پوزش می‌خواهم.

این سفر هشت روزه در دهه پایانی بهمن ۱۳۸۸ انجام شد و تلاقی آن با روزهای پایانی صفر ۱۴۳۱

توفیق مضاعفی بود. درست وقتی وارد نجف اشرف می‌شدم که در آستانه رحلت پیامبر اکرم (ص) بود؛ زمانی که آن را ایام زیارتی امیرمومنان (ع) می‌شمردند و سیل جمعیت به سمت این آستان سرزیر بود. گزارش نویسی از سفر سبک خاصی دارد و بیشتر، گزارش وقایع و مشاهداتی است که هر روز انجام می‌گیرد و نویسنده با مهارت خود، آن را روایت می‌کند که گاه با حاشیه‌های کوتاه و بلندی نیز همراه است. این گزارش یک تفاوت شکلی با سفرنامه‌های دیگر دارد: با دو بخش کردن سفر به نجف و کربلا به صورت موضوعی، تمام مشاهدات روزهای مختلف در همان موضوع گزارش می‌شود. البته در حاشیه زیارت این دو شهر مشهور، از شهرها و اماکن دیگری نیز بازدید شد که در ضمن این دو بخش اصلی از آن یاد می‌شود. از این رو، دیدار از «زید بن علی» و «ذی الکفل» را در این بخش روایت می‌کنم و همچنین زیارت از کاظمین و سامرا را در بخش دوم. هم‌چنین برآنم تا از توضیح نکات مشهوری که غالب مخاطبان از آن اطلاع دارند نیز پرهیز کنم.

حرم شناسی

به اعتراف هر زائر نجف، آستان علوی هیبت خاصی دارد که برگرفته از هیبت صاحب حرم است. به گفته آیت‌الله کشمیری: «نجف چیز دیگری است؛ اگر اعلم علما به آن جا بیاید، مانند طلبه‌ای خواهد بود». در آستان سالار مؤمنان، نشانه‌ها و مکان‌هایی هست که رنگ و بوی علوی دارد و شناخت آن برای هر زائری شایسته است. مساجد و مقابر صحن و حرم مطهر، یکی از بخش‌های مهم سفر در روزهای اقامت در نجف بود که می‌تواند برای مخاطب این نوشتار مفید باشد.

۱. **مسجد الرأس:** این مکان در ضلع غربی حرم قرار دارد که پیشتر، از سمت غربی صحن نیز بدان راه بود. قرار گرفتن این بخش در سمت سر حضرت امیرمومنان (ع) سبب نام‌گذاری این مسجد است؛ گرچه وجود برخی از روایات مبنی بر دفن سر امام حسین (ع) در بخش بالاسر نیز ممکن است دلیل این نام‌گذاری باشد. ساخت این مسجد را به غازان بن هولاکو یا شاه عباس اول نسبت می‌دهند. در سال ۱۴۲۶ هجری مسجد قدیمی تخریب شد تا در طرح بزرگ توسعه حرم، داخل رواق مقدس قرار گیرد.

۲. **مسجد خضر ۶۱:** این بنای قدیمی در ضلع شمال شرقی صحن مطهر قرار گرفته و دو درب دارد:

درب نخست در سوّمین ایوان سمت راست از باب مسلم بن عقیل (ع) است و درب دیگر به فضای بیرون صحن باز می‌شود. بنای فعلی مسجد به دستور آیت‌الله خویی انجام شد. ایشان در این جا فقه و اصول تدریس می‌کرد و مدت‌ها اقامه جماعت می‌نمود و سرانجام پیکر پاکشان در جوار آن به خاک سپرده شد.



به گزارش دبلمی،
همزمان با خلافت امیر
مؤمنان (ع) پیگیری را از یمن به نجف
منتقل می‌کنند. آوردن این پیکر از سوی
فرزندان این شخصیت یمنی، با حضور
امیرمؤمنان (ع) همراه و با نظارت حضرت،
او را بخاک می‌سپارند. گویا این فرد
یمنی همان «اثیب یمانی» است
که به «صافی صفا» معروف
است.

۳. مسجد عمران: این مکان قدیمی در شمال صحن قرار دارد و عمران بن شاهین خفاجی، معاصر عضدالدوله دبلمی، برای وفای به نذر خود، آن را بنا کرد. درب بزرگ، پنجره‌ها و مشبک‌های چوبی، جلوه زیبایی به بنا داده است. در رواق غربی مسجد، آیت‌الله سیدکاظم یزدی (صاحب عروه) مدفون است. وقتی به مسجد عمران رفتیم، بازسازی آن هنوز ادامه داشت.

۴. مقابر: شخصیت‌های بنام بسیاری در ایوان اصلی و

حجره‌های پیرامون صحن امام به خاک سپرده شده‌اند که

زیارت و قرائت فاتحه بر مزار آنان شایسته است. همچنین نام برخی

دیگر از شخصیت‌ها نیز در کتاب‌ها وجود دارد. کتاب «معارف الرجال» از

شیخ محمد حرزالدین (متوفی ۱۳۶۵ق) یکی از فاخرترین آثار است که اطلاعات ارزشمندی در متن

و حاشیه آن درباره تاریخ حرم می‌توان یافت. بر اساس نکات مندرج در این کتاب، مفاخر ذیل نیز در

آستان علوی مدفون هستند:

عضدالدوله دبلمی (متوفی ۳۷۲ق) در سرداب واقع در ایوان طلا و پایین پای امام مدفون است و میرزا

هادی خراسانی (متوفی ۱۳۵۳ق) آن را دیده است. خراسانی همچنین از وجود قبر میرداماد (۱۰۴۱ق)

میرفندرسکی (متوفی ۱۰۵۰ق) و میرعماد خطاط (متوفی ۱۰۲۴ق) در ایوان طلا گزارش می‌دهد.^۱

حرزالدین، سوگمنده از حادثه‌ای در سال ۱۳۱۶ چنین گزارش می‌دهد که در تخریب و بازسازی صحن

و سرداب‌های آن به دستور سلطان عبدالحمید عثمانی، قبرهای بسیاری ویران شد. سنگ‌نبشته‌های

برآمده از زیرزمین، متعلق به سلطان معزالدین (متوفی ۷۹۱ق) شاهزاده سلطان بایزید (متوفی ۸۰۳ق) و

برخی دیگر بود که تمامی آنها محو شد.^۲

یک نکته: پس از فروپاشی حکومت صدام به دلیل فروکاستن اختلافات، نماز جماعت رسمی در صحن

علوی تشکیل نمی‌شود و هر کاروان ایرانی در وقت نماز، برای خود صف و جماعتی تشکیل می‌دهد

و روحانیون محترم کاروان نیز اقامه جماعت می‌کنند. در این سفر مشاهده کردم که بعثه مقام معظم

رهبری در یک اقدام پسندیده، به هنگام نماز صبح، نماز جماعت واحدی را برگزار می‌کند که غالب زوار

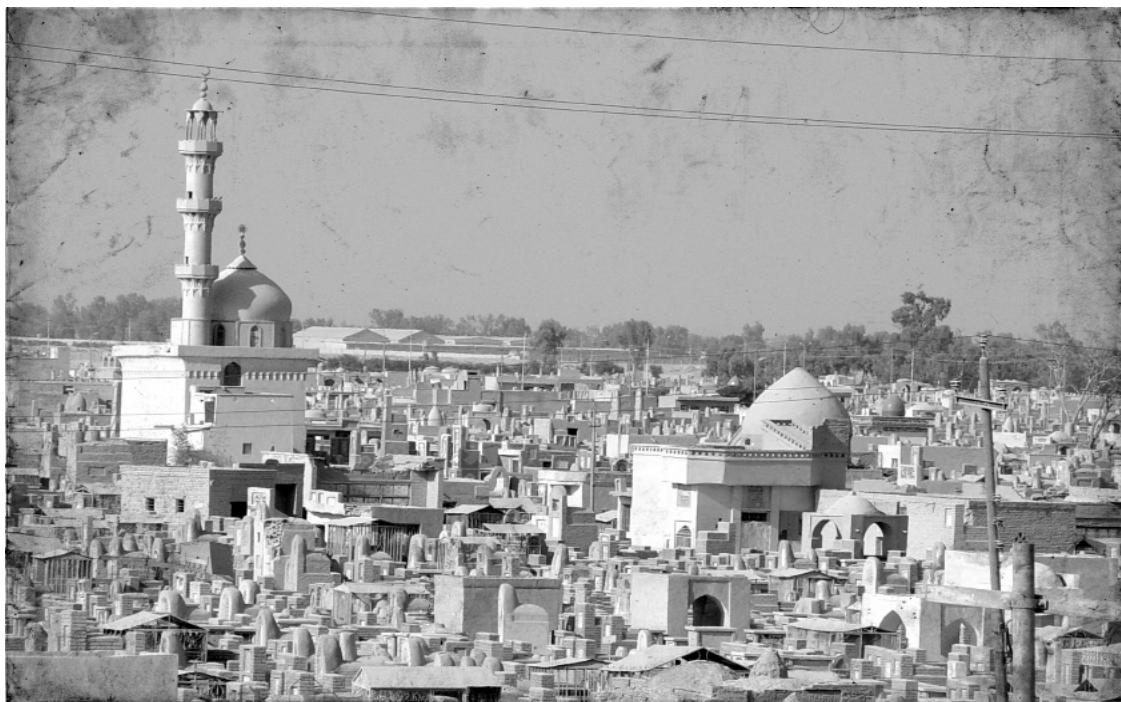
ایرانی و حتی عرب زبان در آن حضور دارند. نماز جماعت را نیز مسئول محترم بعثه در نجف اشرف یا

یکی از روحانیون ایرانی اقامه می‌کند. پس از نماز نیز به صورت متمرکز زیارت امین الله خوانده می‌شود.

امید است این برنامه پسندیده ادامه یابد.

مزارها و مکان‌ها

۱. وادی السلام: پیش از طلوع آفتاب، فرصت خوبی برای رفتن به وادی السلام بود. مزار دو پیامبر بزرگ



حضرت هود و صالح (ع) زائران بسیاری داشت، بنای مقبره، قدیمی و بدون هیچ تغییری است. این دو از معدود انبیایی هستند که در قرآن و در کنار بیست و چهار نبی دیگر، از ایشان یاد شده است. گویا هود و صالح دو پیامبر عرب در دوره میان نوح و ابراهیم هستند و قرآن آن دو را پس از نوح یاد می‌کند.^۲ دو روایت وجود دارد که از وصیت امیرمؤمنان (ع) مبنی بر تعیین محل دفن ایشان در کنار قبر هود و صالح گزارش می‌دهد که با استناد به آنها، زیارت این دو پیامبر در نجف مستحب شمرده شده است.^۳

در وادی السلام، دو مقام به نام‌های امام صادق (ع) و امام زمان (عج) نیز وجود دارد که با در بسته آن مواجه شدم. به دنبال قبر آیت حق سید علی قاضی (۱۳۶۶ - ۱۲۸۲ ق.) بودم که یکی از کارگران مرا بر سر قبر رئیس علی دلواری (۱۲۹۴ - ۱۲۶۰ ش) برد. او رهبر مبارزه مردم دلیر تنگستان و بوشهر بر ضد دولت استعمار بود و پیکرش را پس از شهادت از بوشهر به این مکان انتقال داده و دفن کردند.

به فاصله چند متر، مرقد آیت الله سید علی قاضی مرا به سمت خود کشاند. نسبت به سال قبل، تغییر محسوسی کرده بود. سنگ قبر بزرگی از مرمر به ارتفاع چهل سانتی متر بر روی قبر این عارف نهاده بودند و اطراف آن نیز که مزار خاندان اوست، با موازیبیک مرمت شده بود. قبر سید حسین قاضی، پدر والای سید علی قاضی را نخستین بار بود که می‌دیدم. گویا مرحوم قاضی طباطبایی خود وصیت کرده بود که پایین پای پدر دفن شود. به هر حال مرئی نخست و جوهره حرکت و سلوک مرحوم قاضی، پدر ایشان بود.



۲. **مقام امام زین العابدین (ع):** در بخش غربی حرم، محله عماره قرار دارد و در منتهی الیه آن، بارگاهی است با گنبدی فیروزه‌ای رنگ که به مقام امام زین العابدین (ع) مشهور است. در متون روایی، به زیارت ایشان از مزار امیرمؤمنان (ع) اشاره شده و از زیارت امین الله یاد کرده‌اند.^۵ بنای مقام، قدیمی است و نیاز به بازسازی دارد؛ اما متأسفانه با توجه به پروژه توسعه مقام صافی صفا، خبری از تعمیر یا بازسازی این مقام نیست!

۳. **صافی الصفا:** این بنا در بخش جنوبی مقام زین العابدین (ع) قرار دارد. ساختمان قدیمی آن تخریب شده و بر روی تابلویی بزرگ، به پروژه نوسازی عبد صالح خدا «اثیب یمانی» اشاره شده است. به گزارش دیلمی، همزمان با خلافت امیر مؤمنان (ع) بیکری را از یمن به نجف منتقل می‌کنند. آوردن این بیکر از سوی فرزندان این شخصیت یمنی، با حضور امیرمؤمنان (ع) همراه و با نظارت حضرت، او را بخاک می‌سپارند. درباره علت انتقال بیکر مرد یمنی گفته شده است که او وصیت کرده بود تا جسدش را به «غری» انتقال داده و به خاک بسپارند؛ زیرا در این سرزمین فردی (امیر مؤمنان) دفن خواهد شد که بسیاری مشمول شفاعت او خواهند گردید. گویا این فرد یمنی همان «اثیب یمانی» است که به «صافی صفا» معروف است.

بحر نجف در بخش غربی صافی صفا قرار دارد و اخیراً بزرگراهی نیز در حاشیه آن ایجاد شده که به جاده نجف - کربلا متصل می‌شود.



۴. **مزار شیخ طوسی:** در بخش شمالی صحن علوی و در سمت چپ شارع الطوسی، مسجد و مرقد شیخ طوسی (متوفی ۶۰ ق) قرار دارد. این مکان یکی از محوری‌ترین مراکز علمی نجف اشرف به‌شمار می‌رفت. آخوند خراسانی در این‌جا تدریس می‌کرد و تعداد شرکت‌کنندگان در درس اصول او تا آن زمان بی‌سابقه بوده است. این تعداد را در آخرین دورهٔ درسی اصول وی، از هشتصد تا هزار نفر هم گفته‌اند. در حال حاضر، تعمیر و نوسازی ساختمان و همچنین گنبد این مزار با جدیت و سرعت و زیبایی تمام در حال انجام است.



۵. **مزار آل بحر العلوم:** در بخش شمالی مسجد شیخ طوسی، مزار سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲ق) می‌باشد او رئیس حوزه علمی نجف و مرجع شیعیان در روزگار خود بود. در جوار مدفنش، بسیاری از خاندان او مدفونند که تعداد زیادی از آنان از شهدای دوره حکومت بعثی هستند و تصاویر آنان در این مکان نصب شده است.

۶. **گنبدهای فیروزه‌ای عماره:** وقتی از باب طوسی بیرون آمدم، در سمت چپ، چند گنبد کوچک فیروزه‌ای مرا به سمت خود کشاند. محله عماره در شمال غرب حرم واقع است که سال‌ها محل اقامت



و آمد و رفت شخصیت‌های بزرگ شیعی بوده و اکنون نیز مزار برخی از آنان در همین جاست.

مزار شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۸ق)، از بناهای قدیمی این محل است که در کنار مسجد کاشف الغطاء قرار دارد؛ با ساختمانی زیبا و سقف‌های چشم‌نواز. طلبه‌های بسیاری درون مسجد مشغول بحث بودند که از رونق علمی آن گواهی می‌داد. در جوار مزار شیخ، شخصیت‌هایی از خاندان کاشف الغطاء مدفون هستند.

به فاصله کمی، سه گنبد فیروزه‌ای دیگر کنار هم قرار دارد؛ که اولی مزار شیخ محمد حسن صاحب جواهر (متوفی ۱۲۶۶ق) است. این عالم والا قدر شیعه در مقبره‌ای که خود ساخته بود،

دفن شد. در جوار مرقد شیخ، مسجدی است که در آن نماز جماعت و محفل درس وی برقرار بوده است.

روبه‌روی مرقد صاحب جواهر، مزار ناشناخته‌ای بود که نه تابلویی داشت و نه اهالی از آن اطلاعی داشتند. از چند نفر مقیم آن‌جا هم که پرسیدم، بی‌فایده بود. گویا این مکان بنا بر تصریح محمد حرزالدین، مقبره سادات آل قزوینی است.^۷ سومین گنبد فیروزه‌ای، مزار عالم شیعه سید حسین کوه‌کمری معروف به «سید حسین ترک» (متوفی ۱۲۹۹ق) است او پس از وفات شیخ انصاری یکی از مراجع شیعه به‌شمار می‌آمد.

مساجد و مدارس

۱. مسجد هندی: شارع الرسول یکی از مهم‌ترین خیابان‌های نجف است. درست در مقابل باب القبله، در دو سمت خیابان و محله‌های متصل به آن دهها مسجد و مدرسه قرار دارد.

در سمت راست ورودی خیابان، مسجد هندی است که یکی از محوری‌ترین مساجد شهر در اقامه نماز و برپایی محافل درس است.

بسیاری از شخصیت‌های حوزوی، نماز را در آن‌جا اقامه می‌کردند: شیخ علی زاهد قمی (متوفی ۱۳۷۱ق) در آن‌جا

به اقامه جماعت می‌پرداخت و عالمانی چون آقا ضیاءالدین عراقی، محمدحسین غروی اصفهانی، سید محسن حکیم، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی و سید ابوالقاسم خویی به او اقتدا می‌کردند. پس از ایشان سید محمود شاهرودی عهده‌دار نماز جماعت آن‌جا شد.

در ایام اعتکاف، معتکفین در مسجد هندی اقامت می‌کنند. مرحوم شیخ عباس قمی در مناسبت‌های مختلف در این مسجد منبر می‌رفت؛ از جمله در عصرهای ماه مبارک و صبح‌های دهه اول محرم. به گفته فرزند ایشان منبر شیخ هم حکم درس را داشت که در ساعت معینی برگزار می‌شد و بسیاری از علما و بزرگان نجف مانند آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نیز در آن شرکت می‌کردند.

درس‌های عالی متعددی در آن‌جا برپا می‌شد. خاطره مرحوم آقای دوانی را پیشتر خوانده بودم که در دوران جوانی، امام خمینی (ره) را در این مسجد دیده بود. او می‌نویسد که در این مسجد، بعد از درس آقای اصفهانی، درس آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کاظمینی خراسانی برپا می‌شد. دیدم یک آقای بزرگواری با قیافه آراسته، محاسن مشکی و قامتی رسا، آمدند در پشت یکی از

روبه‌روی منزل امام خمینی ، مدفن آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری (۱۴۱۴ق.) است که اخیراً مدرس بزرگی نیز در کنارش ساخته‌اند؛ از ویژگی‌های برجسته این عالم، اصرار بر اقامه روزانه نماز جعفر طیار و حفظ تمام وسایل الشیعه بود.



ستون‌های قطور مسجد هندی جانمازشان را درآوردند، دستمال سفیدی پهن کردند و مهر را گذاشتند و دو رکعت نماز خواندند. بعد از نماز در حالی که ذکر می‌گفتند گوش می‌دادند به درس آیت‌الله شیخ محمدعلی کاظمینی. از همان جا با صدای بلند یک اشکالی به آقای کاظمینی کردند. ایشان هم از همان جا جواب داد. امام قانع نشدند و دوباره اشکال کردند. این اولین باری بود که بنده از هفت هشت قدمی، امام را دیدم و متوجه شدم که نویسنده کتاب «کشف‌الاسرار» ایشان است.^۱

در حال حاضر سید محمد تقی حکیم پیش‌نماز آن جاست. وقتی ظهر به آن جا رفتم، مسجد پر بود از نمازگزاران عرب و طلبه. در دهه اخیر هر زمان که برای نماز به آنجا رفتم، ایشان نماز را اقامه می‌کرد.



۲. مسجد شیخ انصاری: این مکان مقدس که به «مسجد ترک» نیز معروف است، در محله خویش، در شارع الرسول قرار دارد. این مسجد به توصیه شیخ مرتضی انصاری (متوفی ۱۲۸۱ق) ساخته شد. در تاریخچه ساخت آن نوشته‌اند که یکی از مقلدین شیخ در مسیر خود به مکه، در نجف وجه قابل توجهی (غیر از خمس) را تقدیم شیخ می‌کند تا برای خود خانه‌ای بخرد و از مستأجری رهایی یابد. شیخ نیز با آن پول، این مسجد را می‌سازد. آن تاجر در بازگشت از حج، وقتی از خرید خانه جو یا می‌شود، شیخ مسجد را به او نشان می‌دهد و در پاسخ به

اعتراض و تعجب او می‌گوید: چه خانه‌ای بهتر از این مکان مقدس که عبادت خدا در آن می‌شود؟! ما به زودی از این دنیا کوچ می‌کنیم؛ اگر با آن پول، خانه می‌خریدم، بعد از من به ورثه منتقل می‌شد؛ ولی این خانه (مسجد) باقی و ثابت است و به کسی منتقل یا بخشیده نمی‌شود، و خرید و فروش نمی‌گردد.^۲

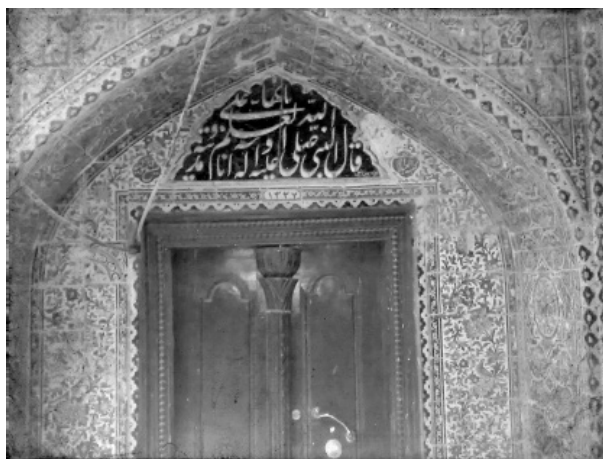
مسجد شیخ از همان آغاز، محل درس نیز بود سید کاظم یزدی، سید عبدالهادی شیرازی و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای در آنجا تدریس داشتند. امام خمینی (ره) سلسله درس‌های خارج فقه خویش را در آبان ۱۳۴۴ در این مسجد آغاز کرد که تا زمان هجرت از عراق به پاریس ادامه داشت. همچنین این مسجد شاهد اقامه جماعت از سوی امام نیز بوده که با حضور فضلالی برجسته حوزه همراه می‌شد می‌گویند مرحوم آیت الله طوسی نجفی، به منظور تأیید و تجلیل و تثبیت موقعیت امام، نماز جماعت خود را در حرم مطهر امیرمؤمنان (ع) تعطیل کرد و در نماز جماعت امام شرکت می‌نمود.

پیش از ظهر به آن جا رفتم و دیدم که مسجد بازسازی شده و فرش‌های زیبایی در آن پهن کرده بودند. مسجد پر بود از طلبه‌های عرب و غیر عرب که حلقه‌های بحث را تشکیل داده بودند. رونق علمی این مسجد برایم جالب و نو بود. در سفرهای قبل، چنین ندیده بودم. یکی از طلبه‌های پاکستانی مقیم

مدرسه شیخ می گفت این بازسازی مرهون آیت‌الله خامنه‌ای است. وقتی از امام جماعت کنونی مسجد جويا شدم، گفت که دو نفر اقامه جماعت دارند: ظهرها آیت‌الله مرعشی و غروب نیز آیت‌الله سید مهدی خرسان. تا نماز ظهر آن‌جا ماندم و نماز را به امامت آقای مرعشی اقتدا کردم. جمعیت نیز زیاد بود. در شمال مسجد، مدرسه شیخ انصاری قرار دارد که امروزه محل سکونت طلبه‌هاست.

۳. **مدرسه سید:** این مدرسه در محله حویش واقع است و دو درب دارد که درب اصلی آن، در کوچه منتهی به خانه آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی قرار دارد.

مدرسه سید، به دستور مرجع دینی سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروه) در سال ۱۳۲۷ قمری ساخته شد. این مدرسه در میان مدارس موجود، بهترین و زیباترین معماری را داراست؛ مدرسه‌ای در دو طبقه با ۸۰ حجره کوچک یک نفره و کاشی‌کاری هنرمندانه. با مراجعه به مدرسه، خادم درب آن را گشود؛ اما به دلیل انجام تعمیرات، به سختی راهم داد. با لطف او گشتی در مدرسه زدم و محو کاشی‌کاری هنرمندانه مدرسه و کاشی‌های فیروزه‌ای حجره‌های آن شدم که خاطره حضور بیشتر بزرگان حوزه نجف در آن ثبت است. آنان یا در این مدرسه تحصیل کرده یا به تدریس پرداخته‌اند. خادم مدرسه دستم را گرفت و درب دوم مدرسه را نشانم داد. این درب، درست به کوچه پشت منزل امام



خمينی(ره) باز می‌شد. همراهی خادم به معنای پایان بازدید هم بود.

۴. **مدرسه شیخ مهدی:** در کوچه پشت مسجد شیخ طوسی، دو مدرسه وجود دارد که مدرسه شیخ مهدی (مهدیه) یکی از آن دوست. این بنای علمی در سال ۱۲۸۴ قمری توسط شیخ مهدی نواده شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۸۹ ق) ساخته شد. مدرسه در دو طبقه بازسازی شده و تولید آن به دست خاندان کاشف الغطاء است. اکنون نیز شیخ عباس کاشف الغطاء آن را اداره می‌کند.



۵. **مدرسه قوام:** در کنار مدرسه شیخ مهدی، مدرسه قوام قرار دارد. این مدرسه در دوطبقه با ۶۴ حجره و به دستور قوام الملک فتح علی خان شیرازی، در سال ۱۳۰۰ قمری ساخته شده است.

وقتی در گوشه ای از حیاط مدرسه نشستیم، یاد اساتید و عالمانی افتادم که در این

مدرسه مقیم بودند. از جمله آنان، استاد عزیز مرحوم آیت الله میرزا جواد تبریزی است.

معروف است که نواب صفوی نیز در این مدرسه اقامت گزید و از همان روزهای نخست، رابطه نزدیکی با علامه امینی که در یکی از حجره‌های فوقانی مدرسه، کتابخانه کوچکی تأسیس کرده و در حال تألیف کتاب «الغدیر» بود، برقرار کرد.

پیشتر شنیده بودم که در مناسبت‌های خاص، طلبه‌های این مدرسه، با مفروش کردن حیاط، مجلس روضه برپا می‌کردند که با دعوت از منبری‌های فاضل و معروف نجف مانند مرحوم شیخ محمد علی واعظ خراسانی، جمع زیادی از اساتید و طلبه‌های حوزه به این‌جا می‌آمدند. حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ عبدالخالق دشتی که از طلبه‌های ۵۰ سال قبل این مدرسه است، از بانیان این محفل بود که خاطرات شنیدنی بسیاری دارد.



۷. **مدرسه بروجردی:** این مدرسه در میان بازار بزرگ و خیابان امام صادق (ع) قرار دارد و می‌توان آن را نزدیک‌ترین مدرسه به حرم امیرمومنان (ع) شمرد. این بنا در سال ۱۳۳۳ قمری در مساحت ۵۰۰ متر در سه طبقه ساخته شد که در دوره

مزار شیخ جعفر
کاشف الغطاء، از بناهای قدیمی
محل عماره است که در کنار مسجد
کاشف الغطاء قرار دارد؛ با ساختمانی زیبا
و سقف‌های چشم‌نواز. طلبه‌های بسیاری
درون مسجد مشغول بحث بودند که
از رونق علمی آن گواهی می‌داد. در
جوار مزار شیخ، شخصیت‌هایی
از خاندان کاشف الغطاء
مدفون هستند.

بعثی‌ها و به سال ۱۴۰۴ قمری بیش از نیمی از آن تخریب گردید.
این مرکز علمی را مدرسه امام حسین (ع) نیز می‌نامند.

کتابخانه‌ها

نجف به عنوان یک شهر علمی کهن و بسیار مهم، از آغاز
با کتاب و کتاب‌خوانی، نگهداری کتاب، نسخ و چاپ آثار
فاخر شناخته شده و طبیعی است که هر اهل کتابی به
این شهر وارد شود، در پی کتاب‌فروشی و کتابخانه خواهد
بود. امروزه بازار حویث با وجود ده‌ها کتاب‌فروشی کوچک
و بزرگ، مرکز کتاب نجف به‌شمار می‌آید. هرچند که بیشتر
آثار منتشره قم و بیروت در آن عرضه می‌گردد، لکن چاپ و نشر
آن‌جا با وجود قیمت‌های بالا، رونق خاص خود را داراست.
در میان کتابخانه‌های نجف، چند کتابخانه قدیمی در خیابان شارع الرسول قرار دارد که در یک نیم‌روز
به آنها سر زدیم. به‌جز کتابخانه آقا بزرگ تهرانی، کتابخانه‌های زیر مورد بازدید قرار گرفت:

۱. **مکتبه الإمام الحکیم:** این کتابخانه که در جوار مسجد هندی قرار گرفته، در سال ۱۳۷۷ قمری توسط
مرحوم آیت الله سید محسن حکیم تأسیس شد. این مرجع وارسته نخست مکان مناسبی در اطراف
مسجد هندی انتخاب نمود و با خریداری و تخریب خانه‌های اطراف مسجد، این کتابخانه را بنا کرد. در
ابتدای تأسیس، مجموع کتاب‌های چاپی ۱۵۰۰۰ جلد و کتاب‌های خطی آن حدود ۲۵۰۰ جلد بود. سالن
مطالعه آن در طبقه همکف است و طبقه پایین نیز مخزن کتب خطی است. وقتی از مسئول این بخش
تعداد کتب خطی موجود را پرسیدم، به رقم ۴۰۰۰ نسخه اشاره کرد.

۲. **مکتبه امیر المؤمنین (ع):** نخست به زیارت
مزار علامه امینی (متوفای ۱۳۹۰ ق) رفتیم.
پیکر مؤلف کتاب شریف «الغدیر» در سرداب
مخصوص جنب کتابخانه عمومی امام امیر
المؤمنین (ع) به خاک سپرده شده است.
وقتی به سمت کتابخانه رفتیم، درب بسته بود؛
اما خادم گفت که بعد از ظهر باز است و الان
فقط می‌توانید داخل کتابخانه را ببینید. مکتبه
الامام امیرالمؤمنین العامه را می‌توان یکی از
با ارزش‌ترین کتابخانه‌های علمی جهان اسلام
برشمرد. علامه امینی این کتابخانه را در زمینی



به مساحت ۲۶۰ متر مربع بنیان نهاد. ایشان پس از انتشار نخستین جلد کتاب شریف «الغدیر» این مرکز علمی را با بیش از چهل و دو هزار جلد کتاب خطی و چاپی تأسیس کرد. هم‌اکنون کتب بسیاری به مخزن این کتابخانه افزوده شده که بنا بر اطلاع ارائه شده در سایت کتابخانه (www.iamlib.net) شمار کتب خطی آن، بیش از هفت هزار عنوان است. می‌گویند که علامه امینی بر آن بود تا این مرکز را به یک مجموعه فرهنگی گسترده، شامل کتابخانه، چاپخانه و نهاد خیریه اسلامی تعمیم دهد و به همین سبب، زمین بزرگی را به مساحت ۱۷۵۰ متر مربع خریداری کرد که امید است این آرزوی ایشان محقق شود. از آقا بزرگ تهرانی نقل شده که گفته است:

پس از وفات امینی، پیوسته در این فکر بودم که علامه امینی که عمرش را فدای مولا علیه‌السلام کرد، مولا در آن عالم با وی چه خواهد کرد؟ شبی در عالم رو با دیدم گویی قیامت برپا شده و بیابانی پر از جمعیت است؛ ولی مردم همه متوجه یک ساختمان هستند. پرسیدم: آن‌جا چه خبر است؟ گفتند: آن‌جا حوض کوثر است. من جلو رفتم و دیدم حوضی است و باد امواجی در آن پدید آورده و متلاطم است و حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام کنار حوض ایستاده‌اند و لیوان‌های بلوری را پر می‌کنند و به افرادی که خود می‌شناسند، می‌دهند. در این اثنا همه‌ام‌ای برخاست. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند: امینی آمد! با خود گفتم بایستم و رفتار علی علیه‌السلام با امینی را به چشم ببینم. ده دوازده قدم مانده بود که امینی به حوض برسد، دیدم حضرت لیوان‌ها را به جای خود گذاشتند و دو مشت خود را از آب کوثر پر کردند و چون امینی به ایشان رسید، به روی او که پاشیدند و فرمودند: خدا روی تو را سفید کند که روی ما را سفید کردی! از خواب بیدار شدم و فهمیدم که علی علیه‌السلام پاداش تألیف «الغدیر» را به مرحوم امینی داده است.^{۱۰}

۳. **مکتبه الامام المجتبی (ع):** این کتابخانه با ساختمانی زیبا در محله جدید بنا شده است. این محل پس از شارع الرسول و سور النجف قرار دارد. بنیان‌گذار این کتابخانه، شیخ باقر شریف قرشی است. پیشتر، ساختمان قدیمی این کتابخانه را دیده بودم؛ اما بنای جدید و نوع چینش موضوعی آثار در طبقات توسط این محقق و برادر مرحومش شیخ هادی را می‌توان یک شاهکار دانست. شاید نام‌گذاری این کتابخانه بی‌ارتباط با علاقه این محقق به امام حسن (ع) نباشد؛ زیرا اولین کتاب منتشر شده از سوی او درباره دومین امام معصوم (ع) است. تعداد کتاب‌های این کتابخانه بیش از ۶۰ هزار جلد است و آثار خطی آن نیز بیش از ۱۰۰۰ عنوان.

به قصد دیدار علامه باقر شریف قرشی به کتابخانه رفتیم. برادرزاده او جناب حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین هادی پذیرای ما شد و گفت که شیخ به دلیل بیماری در خانه خود در حیّ العلماء بستری است. ساعتی در کنار شیخ حسین نشستیم و درباره کتابخانه و وضعیت آن صحبت کردیم. شیخ حسین درباره سیره زیارتی علما می‌گفت: اخوان مستنبت سبک خاصی برای زیارت داشتند. آن دو زیارت معمول را حفظ بودند و وقتی وارد حرم می‌شدند، آهسته قدم می‌زدند و بخش‌هایی از آن را می‌خواندند. از شهید

شیخ مرتضی بروجردی نقل می‌کرد که او چهل سال نماز صبح را در حرم امیرمؤمنان (ع) ترک نکرد. یک ساعت حضور نزد شیخ حسین مغتتم بود و ماندگار. در آخر نیز ایشان کریمانه تعدادی از آثار خود را اهدا کرد.

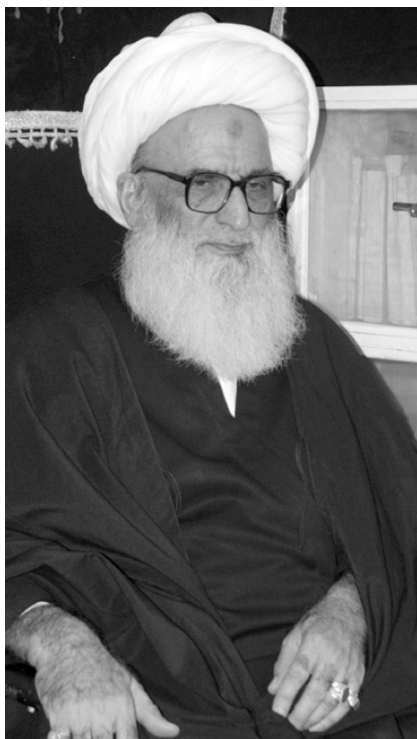
شخصیت‌ها و بیوت علمی

۱. **بیوت علمی:** نجف به داشتن اسطوانه‌های علمی‌اش شهره است و همواره شخصیت‌های فقهی، اصولی، عرفانی و اخلاقی بسیاری در این شهر بودند. هنوز نام و نظر هر یک از آنان در صدر محافل علمی و حتی خانه‌های شیعیان است. هر چند که در دوره حکومت بعثیان سعی و تلاش زیادی در محو این آثار شد و دهها نشانه، با خاک یکسان گردید و صدها صاحب‌نشان خاک‌نشین شدند، اما هنوز هم وقتی به هر محله و کوچه‌ای که باقی مانده، سر می‌زنی بیت عالمی را می‌بینی که تاریخ گذشته را برایت روایت می‌کند.

به عادت همیشه، از خانه امام خمینی (ره) شروع کردم که در میان خیابان شارع الرسول قرار داشت و تمام آن ویران شده بود؛ اما گویا در حال نوسازی براساس همان نقشه اصلی هستند. روبه‌روی آن، مدفن آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری (۱۴۱۴ق.) است که اخیراً مدرس بزرگی نیز در کنارش ساخته‌اند؛ از ویژگی‌های برجسته این عالم، اصرار بر اقامه روزانه نماز جعفر طیار و حفظ تمام وسایل الشیعه بود. در همین محله حویث قدم می‌زدم که به خانه آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی (متوفای ۱۳۸۲ق) رسیدم. نقل است که در بدو ورودش به نجف، هیجده حوزه تدریس اخلاق و عرفان وجود داشت. درب خانه باز بود و پیشتر شنیده بودم که همیشه این‌گونه است و محلی است برای بحث‌های علمی. این خانه در دوره‌ای محل تدریس سید نیز بوده است. وقتی وارد خانه شدم، نوه دختری این مرجع از ما استقبال کرد. چند سؤال کردم که برخی از نکات جواب داده شده از این قرار است:

- معمولاً هر شب علمای بزرگ نجف بعد از نماز مغرب و عشاء در صحن می‌نشستند و یک بحث علمی داشتند. این بحث گاه تا ده شب به درازا می‌کشید و آیت‌الله شیرازی نیز در آن شرکت می‌کرد.
- سید در ده سال آخر نایبنا شده بود و وقتی رفتن به حرم برایش مشکل می‌شد، به پشت بام می‌رفت و به سمت حرم می‌ایستاد و سلام می‌کرد.
- در دوره سید، رفتن به کربلا به سختی انجام می‌شد و ماشین‌های آن زمان، گاه مسیر نجف به کربلا را چهار ساعته طی می‌کردند؛ از این رو معمولاً علمایی که به کربلا می‌رفتند، چند روزی می‌ماندند؛ اما سید ضمن اهتمام به زیارت، زود برمی‌گشت.

۲. **آیت‌الله شیخ بشیر نجفی:** در حال حاضر در حوزه علمیه نجف، در کنار مرجع عالی نجف حضرت آیت‌الله سیستانی، سه مرجع دیگر با سه ملیت متفاوت حضور دارند: آیت‌الله العظمی سید محمد سعید حکیم؛ آیت‌الله العظمی شیخ اسحاق فیاض و آیت‌الله العظمی شیخ بشیر نجفی. دیدار با آیت‌الله العظمی سیستانی میسر نشد؛ زیرا در این موسم، تنها زائران کشورهای حوزه خلیج فارس را می‌پذیرفتند. وقتی



در محله جدید بودم، از منزل آیت‌الله شیخ بشیر نجفی شروع کردم؛ اما طولانی شدن این دیدار و جمعیت میلیونی زائران در نجف، دیدار دو مرجع بزرگوار دیگر را به سفر بعد موکول ساخت.

منزل ساده این مرجع، گواه ساده‌زیستی ایشان بود. تعداد زیادی از شیعیان بحرین آمده بودند و یک‌به‌یک وارد اتاق شده و پس از سلام و دست‌بوسی می‌نشستند و ایشان به تک تک افراد اظهار لطف و دعا می‌کرد. برخورد عاطفی او دل‌نشین و تأثیرگذار بود. پس از عرض سلام و ارادت، گوشه‌ای از اتاق نشستیم. ایشان نیم ساعتی برای جمع سخنرانی کرد که نیمه از صحبت به مباحث اخلاقی اختصاص داشت و نیم دیگر از حکمت و اهمیت زیارت امام حسین (ع) و این که: «امام هدف است، نه پل یا وسیله» و «زائر مانند کسی است که به خود عطر زده است؛ این عطر مدت‌ها فضا را معطر می‌سازد. زائر باید با عطر زیارت به موطن خود برگردد؛ متحول و مغفور». سخنرانی این مرجع به زبان عربی بود، اما لهجه و شور پاکستانی در آن موج می‌زد.

با پایان سخنرانی و رفتن میهمانان، به اشاره ایشان کنارشان

نشستم. پس از معرفی و صحبت‌های نخست، پرسش‌های مختلفی مطرح شد که برخی از نکات در پاسخ‌های ایشان بدین قرار است:

- ضمن خواندن زیارت‌های متعدد، باید ارتباط روحی برقرار شود. آقایی بود که وقتی به حرم امیرمؤمنان (ع) مشرف می‌شد، پشت به قبله و روبه‌روی ضریح می‌نشست و چشم‌های خود را می‌بست و مدت‌ها در این حالت بود.
 - در حکمت زیارت‌های مخصوصه امام حسین (ع) نکاتی نهفته است. به زیارت اربعین توجه کنید. دقت در این نکات می‌تواند قابل تعمیم باشد. در این زیارت دو نکته نهفته است: اول، زیارت در یک روز خاص، نشان و علامت است و خدا می‌خواهد این نشان، برجسته و مشخص باشد؛ نشانی که در کنار نمازهای پنجاه و یک‌گانه قرار می‌گیرد. دوم، در واژه «اربعین» نیز باید درنگ کرد؛ تکامل در این «چهل» نهفته است.
 - حوزه قم را درک نکردم و از پاکستان به حوزه نجف آمدم. فقط برای زیارت به قم رفته‌ام.
 - با فوت سید علی قاضی طباطبایی، حوزه نجف از این مشرب عرفانی خالی نماند.
- نماز ظهر و عصر را در همان اتاق به ایشان اقتدا کردم و از ایشان درخواست کردم تا نوار سخنرانی آن‌روز را برای درج در فصلنامه، در اختیار من قرار دهند؛ ایشان نیز به یکی از اعضای دفتر فرمود و لوح فشرده آن را به سرعت آماده کردند^{۱۱}.

در بازگشت و در همان محله جدید، مقبره آیت‌الله سید علی بهشتی بابل (متوفی ۱۴۲۴ق) بود که در مرقد این فقیه وارسته فاتحه‌ای خواندیم.

۳. علامه سید مهدی خراسان: با نام و آثار این محقق و شخصیت برجسته او تا حدی آشنا بودم. آل خراسان از خاندان‌های ریشه‌دار و معروف نجف به‌شمار می‌آیند که در دانش و فضل شهره‌اند. دیدار با این عالم شهیر را از قبل برنامه‌ریزی کرده بودم. می‌دانستم که در محله حویش ساکن است، اما مکان دقیق را نمی‌دانستم. از یکی از طلبه‌های نجف، آدرس دقیق را جویا شدم که راهنمایی کرد و گفت ایشان هر هفته جمعه ساعت ۱۰ صبح جلسه درس اخلاق دارند. فرصت خوبی بود و در همین ساعت به خانه ایشان در کوچه روبه‌روی مسجد شیخ انصاری رفتم. وقتی وارد اتاق بیرونی ایشان شدم، دور تا دور آن طلبه‌های جوان و میان‌سال نشسته بودند و انگشت‌شمار مردم عادی در میان مستمعین بودند. ایشان نیز صحبت خود را آغاز کرده بود. نزدیکشان نشستم. بر روی یک تابلوی بزرگ و سبز رنگ این کلمه نوشته شده بود: «عش کعلی (ع)، هادن کالحسن (ع)، مت کالحسین (ع)».

آیت‌الله خراسان به مناسب شب رحلت پیامبر (ص) درباره وقایع روزهای آخر حیات حضرت (ص) سخن می‌گفت و کتاب «مُسند» عبدالله بن عباس نیز در دستشان بود که خودشان تدوین کرده بودند. محور سخن نیز این حدیث از ابن عباس بود:

«لما أمر النبی (ص) أن یقوم بعلی بن اَبی طالب (ع) المقام الذی قام به، فانطلق النبی (ص) الی مکه، فقال: رأیت الناس حدیثی عهد بکفر بجاهلیة، و متی أفعل هذا به یقولوا: صنع هذا باین عمه، ثم مضی حتی قضی حجة الوداع، ثم رجع حتی إذا کان بغدیر خم، أنزل الله عزّ و جل: «یا ایها الرُّسول بَلِّغْ ما أنزل إِلَیک مِنْ رَبِّک». فقام مُناد فنادی الصلوة جامعة، ثم قام و أخذ بید علی علیه السلام فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهمّ وال من والاه، و عاد من عاداه».

بعد از پایان سخنرانی، کنارشان نشستم. فارسی را خوب صحبت می‌کردند. این دیدار هم به پرسش و پاسخ انجامید تا اذان ظهر که از رفتن ممانعت فرمود و پس از نماز، نهار مهمان ایشان بودم. بسیار صمیمی و خودمانی، یک سفره ساده و دوست‌داشتنی را پهن کردند و ایشان نیز با صفای خاص خود از ما پذیرایی کرد.

صحبت ما در میان غذا و یک ساعت پس از آن نیز دنبال شد و این محقق با سعه صدر و لبخند خاص خود پاسخ‌گوی پرسش‌های متعدد ما بود. برخی از نکات مطرح شده از سوی ایشان به قرار زیر است:

- حسین رمز اسلام است و درباره حکمت زیارت‌های مخصوصه امام باید به این نکته توجه داشت که این تعدد و انحصار، به نوعی اعلان و دعوت (دعایه) است. چرا امام باقر (ع) وصیت کردند که ۱۰ سال در منا برای‌شان روضه برپا کنند؟ چون با توجه به فراوانی جمعیت، جای تبلیغ و اعلان است. در مناسبت‌های مختلفی چون شب قدر، عرفه و نیمه شعبان که توجه مردم را به خود جلب می‌کند، زیارت مخصوص امام حسین (ع) وارد شده که از فضای تبلیغی برای اسلام استفاده شود: «الاسلام حسینی البقاء».
- قبلا روزی دو بار به زیارت امیرمومنان (ع) مشرف می‌شدم.

**بنای قدیم مسجد
حنانه تخریب شده و با طراحی
بسیار زیبا بازسازی گردیده است.
هم به مساحتش افزوده شده و هم
معماری آن چشم‌نواز شده است. با این
حال فعلا کاروان‌های ایرانی را به این
مسجد نمی‌برند؛ گویا فقدان مکان
مناسب برای توقف ماشین‌ها،
بهباه حذف این برنامه
است!**

- در کتابی از سید عبدالله بلادی، چهار نفر عبدالله نام را در شهادت امام حسین (ع) شریک می‌داند: عبدالله عمر، عبدالله زبیر، عبدالله جعفر و عبدالله عباس. این ادعا درباره دو فرد اخیر درست نبود و می‌خواستم نقد کنم؛ اما آقا بزرگ تهرانی به علی اجازه نداد.
- نابینایی یا ضعف بینایی ابن عباس سبب شد که نتواند در کربلا حاضر شود.
- مختار شروع خوبی نداشت؛ اما نتیجه کارش مطلوب اهل بیت (ع) بود. از این رو دفاع آیت‌الله خویی قابل نقد است.
- زنی به نام خدیجه بنت علی (ع) در تاریخ هست؛ اما نمی‌توان پذیرفت که مزار مقابل باب ثعبان (باب الفیل) مسجد کوفه از اوست.
- در دوران صدام، وقتی خاندان حکیم را دستگیر کردند، عصر روز ۲۵ ذی‌القعدة مجلس روضه امام موسی‌الکاظم (ع) را به سختی برپا کردم؛ کسی آمد و گفت: وقتی آنان را گرفتند، در نجف ده نفر هم پیدا نشد که به اعتراض، الله اکبری بگویند!
- هنگام بیرون آمدن، این نکته به ذهنم رسید که طلبه‌های زائری که به نجف می‌آیند، باید با میراث علمی نجف آشنا شوند و دست‌کم با فراهم شدن یک جلسه اخلاقی، روحانیون ایرانی با استوانه‌های علمی این حوزه انس بگیرند.

از حنانه تا سهله

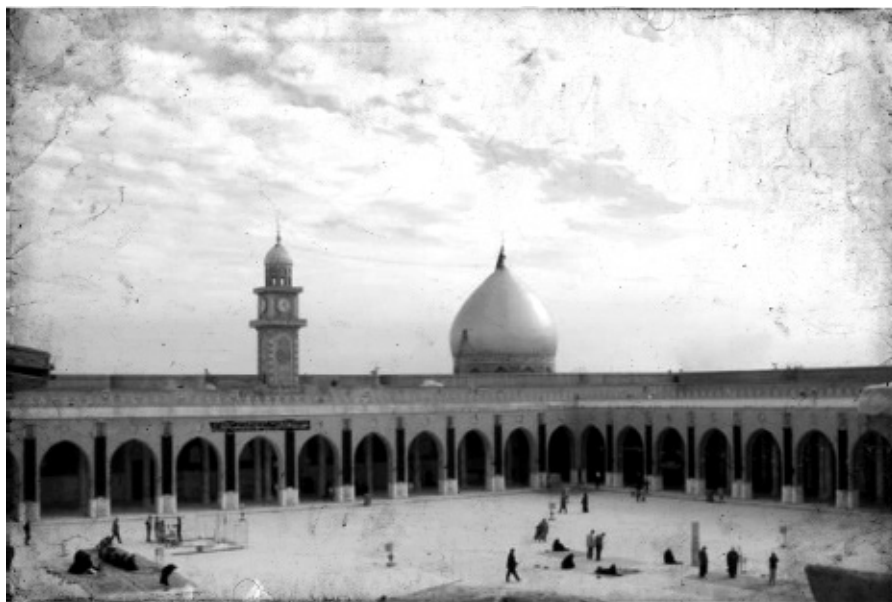
در یک برنامه فشرده، دو مکان واقع در مسیر نجف به سهله و هم‌چنین دو مسجد بزرگ و تاریخی کوفه و سهله زیارت شد. این اماکن چهارگانه به نوعی در برنامه زیارتی کاروان‌ها قرار داشت. چند نکته را درباره این دو زیارتگاه بیان می‌کنم:



۱. **مسجد حنانه:** این مکان فضای غمناک کربلا را برای هر زائری تداعی می‌کند. پس از واقعه عاشورا، سر امام حسین (ع) به کوفه برده شد که پیش از بردن نزد ابن زیاد، سر مقدس در این مکان قرار گرفت.^{۱۲} بنای قدیم مسجد تخریب شده و با طراحی بسیار زیبا بازسازی گردیده است. هم به مساحتش افزوده شده و

هم معماری آن چشم‌نواز شده است. با این حال فعلا کاروان‌های ایرانی را به این مسجد نمی‌برند؛ گویا فقدان مکان مناسب برای توقف ماشین‌ها، بهانه حذف این برنامه است!

۲. **مزار کمیل:** او از یاران نزدیک امیرمؤمنان (ع) بود که در صفین حضور داشت و مدتی نیز والی هیت بود.^{۱۳} کمیل، بزرگ قوم خویش بود. سرانجام به دستور حجاج و به جرم همراهی با علی (ع) در سال ۸۲ هجری گردنش را زدند. امیرمؤمنان (ع) پیشتر نحوه شهادتش را به او خبر داده بود.^{۱۴} ضرار بن ضمیره می‌گوید: شنیدم امیرمؤمنان (ع) به کمیل بن زیاد سفارش می‌کرد و می‌گفت ای کمیل! از مؤمن دفاع کن که پشت سر مؤمن، حریم خداست و جان او نزد خدا محترم است و دشمن او، دشمن خداست. از ستم کردن با کسی که یآوری جز خدا ندارد، بپرهیز.^{۱۵} معماری سابق مزار کمیل حفظ شده است؛ با همان گنبد و سطح بلندی که دارد. البته در سال‌های اخیر تعمیرات و اضافاتی نیز داشت است.



۳. **مسجد کوفه:** پیش از ورود به مسجد، به سمت مزار میثم تمار رفتیم؛ شخصیتی که امیرالمؤمنین (ع) سخت به وی علاقه داشت و او را از اسرار آگاه می‌کرد. امام درختی را به میثم تمار نشان داد و او را آگاه ساخت که عبیدالله بن زیاد، وی را به عنوان دهمین نفر، بر شاخه آن درخت مصلوب خواهد کرد و مرگ او به سبب نیزه‌ای خواهد بود.^{۱۶} میثم تمار ده روز پیش از ورود امام حسین علیه السلام به عراق، در کوفه به شهادت رسید و جنازش مدت‌ها بر سردار بود.^{۱۷} کنار ضریح میثم ایستاده بودم که درب آن را باز کردند و با نظارت شیخ موقری، چند گونی از پول‌های داخل آن را بیرون آوردند. زمینه‌ای فراهم شد و به دعوت آن شیخ، داخل ضریح شده، به قبر این یار وفادار حضرت تبرک جستیم.



پیاده به سمت مسجد کوفه رفتیم؛ مسجدی که بخش‌هایی از آن را باغی از باغ‌های بهشت می‌دانند.^{۱۸} پیش از سفر کتاب «الغارات» را می‌خواندم و این نکته از این کتاب به ذهنم خطور کرد که علی (ع) هر روز در جایی از مسجد بزرگ کوفه می‌نشستند و بعد از نماز صبح، تا طلوع آفتاب به تسبیح مشغول می‌شدند و بعد از این که خورشید طلوع می‌کرد، برای سخنرانی بالای منبر می‌رفتند.^{۱۹}

مقام‌های معروف مسجد کوفه عبارتند از مقام جبرائیل، مقام آدم، مقام نوح، مقام ابراهیم، مقام خضر، مقام محمد، مقام امام صادق و مقام امام زین العابدین (علیهما السلام). همچنین از اماکن تاریخی داخل مسجد نیز می‌توان از محل کشتی نوح، محراب امیرمؤمنان (ع)، بیت الطشت و دکه القضاء نام برد.

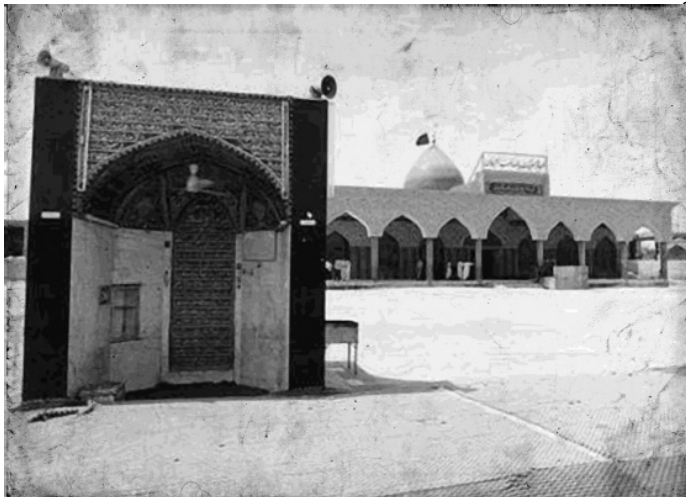
بازسازی مسجد کوفه از حدود ده سال پیش آغاز شده است. از مساحت ۱۱۱۶۲ متری مسجد، حدود ۵۵۲۰ متر مسقف شده و اکنون ساخت رواق‌های پیرامونی و هم‌چنین سنگ فرش تمام مسجد به پایان رسیده است. گرچه بنای جدید، زیبا جلوه می‌کند، اما سادگی پیشین جذابیت خاص خود را داشت. فعلا مقام نوح (ع) در بخش بانوان قرار دارد و گویا اندک جابه‌جایی در مقام جبرئیل شده است. از اقدامات مفیدی که صورت گرفته، باز کردن دربی از بالای سر مزار مسلم بن عقیل به داخل مسجد است. این درب به مقام امام صادق (ع) باز می‌شود. مدیریت مسجد سایتی را به آدرس www.masjed-alkufa.net راه‌اندازی کرده که اطلاعات و تصاویر خوبی در آن می‌توان دید.

پس از زیارت مزار حضرت مسلم (ع) به زیارت مختار رفتیم. ضریح جدیدی بر مزارش نصب کرده‌اند. در حرم هانی بن عروه تغییری صورت نگرفته بود. بیشتر کاشی‌های قدیمی هم در حال تخریب بود. امیدوارم در توسعه جدید که در سمت شرقی انجام شود، آن‌جا نیز مورد توجه قرار گیرد.

از باب الثعبان مسجد کوفه که در ضلع غربی شمال مسجد قرار دارد بیرون آمدم و به سمت مزار روبه‌روی در رفتیم؛ مزاری که تابلوی نصب شده بر آن از دفن خدیجه بنت علی (ع) حکایت می‌کرد. همسر او عبدالرحمن بن عقیل است^{۲۰} که در کربلا به شهادت رسید.^{۲۱} مورخان ضمن اشاره به وجود چنین زنی، از محل دفن او یاد نکرده‌اند.

۴. **مسجد سهله:** پیش از غروب، وارد این مسجد شدم. مکانی مقدس با مقام‌هایی شریف که برای پذیرایی از زائران آغوش گشوده است. مقام‌های مسجد عبارتند از: مقام انبیاء و مقام صالحین، مقام ابراهیم، مقام ادريس، مقام خضر، مقام امام صادق، مقام امام زین العابدین و مقام امام زمان (علیهم السلام).

بازسازی این مسجد با نظارت آیت‌الله سید سعید حکیم در حال اجراست. بر اساس ماکتی که در آن‌جا دیدم، پروژه گسترده‌ای در حال



اجراست و بخش جنوبی مسجد که مقام امام زمان (ع) در آن جاست، به عنوان محوری‌ترین بخش آن ساخته خواهد شد که در دو سمت آن نیز مقام ادريس و زین العابدین (ع) قرار دارد. تاکنون رواق‌های شمالی و شرقی و غربی آن ساخته شده است. یکی از جاذبه‌های مسجد سهله، فعالیت‌های گسترده فرهنگی مدیریت مسجد است. سالن بزرگی در جوار مسجد به عنوان فروشگاه کتاب و محصولات فرهنگی قرار دارد که پس از نماز، گشتی در آن زدم و چند نمونه از منشورات آن را تهیه کردم. کتاب «دلیل عتبه مسجد سهله» یکی از آثار خوب منتشره آن بود. از فعالیت‌های فرهنگی مسجد، ایجاد سایتی به آدرس www.alsahla.net است. این وب‌سایت امکانات خوبی را برای آشنایی با مسجد فراهم نموده است.

کناسه تا نخيله

مسیر یک ساعته نجف به کربلا آسان بود و سریع؛ ولی ما مسیر کوفه به کربلا را انتخاب کنیم؛ با زمان تقریبی پنج ساعت و با سه توقف و زیارت. در حاشیه این مسیر، سه مکان زیارتی و چند مکان تاریخی قرار داشت که برای بار نخست بدان‌جا قدم می‌گذاشتم: مزار زید بن علی (ع)، مزار رشید هجری، مزار ذی الکفل و یارانش و همچنین مکان‌هایی چون نخيله، کناسه، شهر کفل و مسجد باشکوهش با یک مناره.

۱. **زید بن علی (ع):** از کوفه تا کناسه حدود ۳۰ کیلومتر فاصله





است و برای رفتن نیز باید جاده کوفه به حله را انتخاب کرد. در ۲۵ کیلومتری مسیر، تابلویی قرار داشت که مسیر مزار زید را نشان می‌داد. درست در سمت راست جاده و در مسیری فرعی، پس از طی دو کیلومتر گنبد حرم زید دیده شد. به کناسه وارد شده بودم. این مکان پیشتر نام یکی از محلات کوفه بود^{۳۲} که حوادث متعدد تاریخی در آن اتفاق افتاده است. به دار آویختن و سوزندان زید بن علی (ع) یکی از فجیع‌ترین حوادث تاریخ اسلام است.

زید، فرزند امام سجاد (ع) در ماه صفر سال ۱۱۸ هجری در کوفه قیام کرد و چهارده هزار تن با او در جهاد با ستم‌کاران و دفاع از ستم‌دیدگان بیعت کردند. یوسف بن عمر، کارگزار امویان در عراق، در جست‌جوی او می‌کوشید. وقتی زید قیام را آغاز کرد، به جز چهارده مرد با او بیرون نیامدند و زید گفت: «این بیعت را حسینی کردید!» سپس به پیکار با ایشان برخاست. تیری به او زدند که به پیشانی‌اش اصابت کرد. او را از میدان بیرون بردند و همان شب جان سپرد و با لباس خونین به خاکش سپردند. چون بامداد شد، یوسف بن عمر محل خاکسپاری او را یافت؛ بدنش را بیرون آورد و سر از تنش جدا کرد و برای هشام بن عبد الملک په شام فرستاد. پیکر بی سر او را در محله کناسه کوفه به دار آویختند. سپس به دستور هشام بن عبد الملک، پیکرش را آتش زدند.^{۳۳} زید در ۴۲ سالگی به شهادت رسید. او

شخصیتی پرهیزکار، عابد، فقیه، شجاع و سخی بود و امام صادق (ع) در سوگ وی گریست.^{۳۴} در مکان به دار آویختن و سوزاندن زید، بارگاه باشکوهی ساخته‌اند. ضریحی زیبا در حرمت باعظمت در وسط یک صحن بزرگ. این حرم، یک گنبد بزرگ و دو مناره دارد. وقتی وارد رواق شدم، دیدم که زیارتنامه زید را در ورودی آن قرار داده‌اند. در ضلع شرقی صحن، چند نخل قرار دارد که گویا رمز و نشان شهادت اوست؛ اما متأسفانه برخی از مردم آنجا معتقدند که زید بر همین نخل آویخته و سوزانده شد. البته در نقد این اعتقاد خرافی، برگه‌ای در کنار نخل‌ها نصب کرده بودند.



۲. **رشید هجری:** مزار این شهید، قبل از مقام زید بن علی (ع) است، با فاصله تقریبی ۴ کیلومتر، درست در سمت راست جاده کوفه به حله. این محل از توابع نخيله است که بعد از زیارت زید، از جاده اصلی به آنجا رفتیم؛ گرچه بعداً یکی از اهالی آنجا، جاده‌ای را نشانم داد که مستقیم به کناسه منتهی می‌شد. رشید هجری از یاران راستین امیرمؤمنان (ع) است که بریده شدن دست‌ها و پاهایش و مصلوب گردیدنش را پیش‌گویی کرده بود.^{۳۵} گویا رشید به دست زیاد بن ابیه به شهادت رسید؛^{۳۶} هر چند برخی قاتل او را عبیدالله بن زیاد می‌دانند.^{۳۷} مرقدرشید دارای یک صحن با گنبدی فیروزه‌ای است. بر روی سنگ‌نشته‌ای تاریخ‌بنای کنونی (۱۴۱۴ق) درج شده است. متأسفانه به دلیل در حاشیه قرار داشتن این مزار، و غیر مسکونی بودن اطراف آن، زائران کمی به آنجا می‌روند.

۳. **ذی الکفل:** در سمت چپ جاده منتهی به حله، شهر کفل قرار دارد که برای زیارت و بازدید راهی آنجا شدم. این شهر در منطقه نخيله که نخل‌های فراوان و به هم تنیده دارد، واقع است. نخيله تاریخی درخشان



دارد؛ به خصوص نام آن را می‌توان در بخش‌های مختلف دوران خلافت امیر مؤمنان (ع) دید. این منطقه گواه است که چون امیرمؤمنان (ع) خبر غارت‌گری یاران معاویه در انبار را شنید، خود پیاده به راه افتاد تا به نخيله رسید. مردم در نخيله بدو پیوستند و گفتند: ای امیر مؤمنان! ما کار آنان را کفایت می‌کنیم. امام فرمود: شما که

از عهده کار خود بر نمی‌آید، چگونه کار دیگری را برایم کفایت می‌کنید؟! اگر پیش از من رعیت از ستم فرمان‌روایان می‌نالید، امروز من از ستم رعیت خود می‌نالم.^{۲۸}

در این شهر دو اثر تاریخی و تمدنی قرار دارد: مسجد نخيله که از دور مناره قدیمی آن نمایان است و مزار ذی‌الکفل یا گنبدی خاص که نمونه‌اش را بر مزار شوش دانیال دیده بودم.

از میان بازار بسته و مسقف شهر عبور کرده، وارد محوطه این دو مکان شدم. در بدو ورود، تولید این محل تاریخی، آقای شیخ عقیل کفلی به گرمی استقبال کرد. او نماینده وقف شیعی و مسئول مجموعه‌ای است که به جز این محل، مزار زید بن علی (ع) و رشید هجری را نیز اداره می‌کند. او نخست مسجد نخيله را معرفی کرد. این مسجد مکانی است که امیرمؤمنان (ع) بارها در آن حاضر شدند؛ از جمله به هنگام عزیمت به صفین و نهروان در آن اقامت گزیدند و نماز اقامه کردند. ساخت بنای مسجد نخيله و مناره آن، به دوره «الجایتو» سلطان مغول بازمی‌گردد که معماری چشم‌نوازی دارد. به جز بخشی از دیوارهای آن، تنها مناره‌رو به ویرانی آن باقی است. بر این مناره کلماتی به خط کوفی نقش بسته که تمامی نشان از محبت به خاندان رسالت (ع) دارد. این مناره ۲۴ متری، در حال بازسازی است.

در کنار مسجد، مزار ذی‌الکفل واقع شده که یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل است. قرآن کریم ضمن بیان نامش، او را از صابران می‌شمارد.^{۲۹} او بعد از سلیمان بن داود می‌زیست و در میان مردم مانند داود (ع) قضاوت می‌کرد، و نام شریفش عویدیا بود.^{۳۰}

با راهنمایی شیخ کفلی، وارد مزار ذی‌الکفل شدم. بر روی قبر او یک ضریح تمام‌چوبی قهوه‌ای رنگ قرار داشت و بر روی دیوار نیز سنگ‌نوشته‌هایی به زبان عبری دیده می‌شد. رواق مجاور ضریح این پیامبر، مدفن یاران ذی‌الکفل است که نام تک تک آنان نیز با تابلویی مشخص است: باروخ، یوسف

بر روی قبر ذی‌الکفل،
یک ضریح تمام‌چوبی قهوه‌ای
رنگ قرار داشت و بر روی دیوار نیز
سنگ‌نوشته‌هایی به زبان عبری دیده
می‌شد. رواق مجاور ضریح این پیامبر،
مدفن یاران ذی‌الکفل است که نام تک
تک آنان نیز با تابلویی مشخص
است

۳. هود، آیه ۸۹.
۴. وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۹۸؛ ر.ک: فرحة الغری ص ۳۸.
- برخی منابع، مدفن هود و صالح را بین زمزم و مقام می‌شمارد (البلدان، ص: ۱۷۴) که این نقل، با متون دیگری که بر حج نگذاشتن از آن دو گواهی می‌دهد، در تضاد است. (دلائل النبوة، ج ۲، ص ۴۶) البته این نکته نیاز به تحقیق دقیق دارد.
۵. الاقبال، ص ۴۷۰.
۶. إرشاد القلوب ج ۲ ص ۴۴۰.
۷. معارف الرجال، ج ۲، ص ۲۲۸.
- ۸.
۹. سید محمد کلانتری، شرح مکاسب ج ۱، ص ۱۳۰.
۱۰. یادنامه علامه امینی، ضمیمه روزنامه رسالت، ۱۲ تیر ۶۷ ص ۶.
۱۱. بخش مربوط به حکمت زیارت این سخنرانی، در این شماره فصلنامه درج شده است.
۱۲. بحار الأنوار ج ۹۷، ص ۲۸۳ و مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۴۰۳.
۱۳. ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۶۱.
۱۴. شیخ المفید، إرشاد ج ۱، ص ۳۲۷.
۱۵. مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۲۲.
۱۶. شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۱۰.
۱۷. الإصابة، ج ۶ ص ۲۵۰؛ منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۶ ص ۳۶۳.
۱۸. المحاسن، ج ۱، ص ۵۶.
۱۹. الفارات/ترجمه، ص ۳۳۳.
۲۰. أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۷۱ و المحبر، ص ۵۷.
۲۱. الأخبار الطوال، ص ۲۵۷.
۲۲. «کناسه» در لغت به معنای خاکروبه‌ریز است و نام یکی از محلات قدیمی کوفه است، ر.ک: معجم البلدان ج ۸، ص ۲۸۸.
۲۳. الأخبار الطوال، ص: ۳۴۴؛ آفرینش، تاریخ/ ترجمه، ج ۲، ص: ۹۳۱؛ تاریخنامه طبری، ج ۴، ص: ۹۶۲؛ الروض المعطار فی خبر الاقطار، النص، ص ۴۹۵.
۲۴. منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۳، ص ۲۹۱.
۲۵. نهج الحق، ص ۲۴۲.
۲۶. الارشاد، ج ۱، ص ۳۲۵.
۲۷. رجال الکشی، ص: ۷۷ و معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص: ۱۹۷.
۲۸. نهج البلاغه؛ خطبه ۲۶۱.
۲۹. انبیاء، آیه ۸۵.
۳۰. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۰۵.
- الربان، خون ناقل التورات، یوحنا الدملجی و یوشع. در همین رواق، تابلویی بود که از وجود مقام خضر گواهی می‌داد. در بخش غربی مجموعه، مدفن یک تاجر یهودی به نام مناحیم دانیال و دو نفر از منسوبان وی است. او ۸۰ سال پیش می‌زیست و این مکان را بازسازی کرد. در سمت چپ مدخل ورودی حرم، کنیسه‌ای قدیمی وجود دارد. این کنیسه و مجموعه مزار ذی‌الکفل و همچنین مسجد نخَیله در نیم قرن گذشته در تصرف یهودیان بود که بخشی از تخریب‌های مسجد نیز توسط آنان انجام شده است. آنان تصمیم داشتند تا با فراهم کردن زمینه ورود و سفر یهودیان به این مکان، آثار به‌جای مانده مسجد و مناره را محو کنند؛ اما به دلیل تلاش‌های پی‌گیر و مستمر مسلمانان در نیم قرن اخیر، به‌خصوص مبارزه مستمر شیخ علی خیری (متوفی ۱۳۳۰ ق.) در دوره پایانی حاکمیت عثمانیان، اکنون خبری از یهودی و مرام آنان نیست.
- در پایان بازدید، شیخ عقیل کفلی ما را به دفتر خودش دعوت کرد و با نشان دادن تصاویر قدیمی این مجموعه، از فعالیت‌های توسعه‌ای و به‌خصوص فرهنگی‌اش گفت و اعلام کرد که این آستان می‌تواند پذیرای چهره‌های فرهنگی ایرانی باشد و به جد درخواست کرد که ایرانیان عزیز برای زیارت و بازدید به این مجموعه سفر کنند.
- این بازدید بیش از دو ساعت طول کشید. پس از ترک ذی‌الکفل، راهی کربلا شدیم؛ البته نه از مسیر حله؛ بلکه از جاده کفل که به جاده اصلی نجف به کربلا منتهی می‌شود.
- ادامه دارد...

پی نوشت‌ها:

۱. معارف الرجال، ج ۳، ص ۲۴۰.
۲. همان، ص ۲۴۴.